

عوامل کفر از دیدگاه قرآن

یکی از مسائل مهم در موضوع کفر، بررسی عوامل و ریشه‌های روحی و روانی آن، سوره‌ها و آیات قرآن است.

بررسی دقیق این مسأله نشانگر این حقیقت است که عوامل کفر که تعداد آنها بالغ بر ۳۸ عامل و انگیزه می‌باشد در ۴۵ سوره قرآن طی ۷۲ آیه بیان گردیده است. این عوامل در رابطه نزدیکی با یکدیگر بوده، برخی عامل قریب کفر و برخی عامل بعید آن به شمار می‌رود و ما این عوامل را به طور اجمال در اینجا ذکر و برای هر کدام حد اقل یک آیه به عنوان مثال می‌آوریم. می‌توان با مطالعه دقیق این عوامل و رابطه آنها با یکدیگر، در قرآن چند نکته اساسی زیر را دریافت:

نکته اول اینکه: ریشه اصلی کفر، گناه و حالت عصیان و تمرد از اوامر می‌باشد. **نکته دوم**: این که همه این عوامل مصداق گناه بوده و گناه بر همه آنها صادق است.

نکته سوم: اینکه این عوامل را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، **دسته اول**: عواملی که در اصل ایجاد کفر و پیدایش آن تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم دارند و **دسته دوم**: عواملی که در ازدیاد کفر، مستقیم یا غیر مستقیم مؤثر می‌باشند نه در اصل پیدایش کفر.

گناه و عصیان ریشه اصلی کفر

در این مسأله آیات متعددی وجود دارد از جمله آنها آیات زیر می‌باشد:

۱ - ذَلِكْ بِاَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكْ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ.

(بنی اسرائیل به خشمی از خدای برگشتند و سزاوار خشم خدا گشتند) زیرا به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند و این از آن رو بود که نافرمان شده واز حد خود در می‌گذشتند (سوره بقره، آیه ۶۱).

چنانکه ملاحظه می‌کنید، قرآن ریشه کفر را عصیان و گناه و تجاوز از حد خویش و سقوط در فساد به حساب آورده است.

۲ - در آیه دیگری این عامل و انگیزه ریشه‌ای را قرآن اینگونه بیان می‌کند:
بنی اسرائیل، (مُهر) درماندگی و بیچارگی برآنان زده شد این بدان سبب است که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناروا می‌کشتند و این از آن رو است که نافرمانی کردند واز اندازه و حد خود در می‌گذشتند. (سوره آل عمران، آیه ۱۱۲).

در آیه بالا گناه، ریشه کفر بوده و موجب کشتن انبیاء معرفی گردیده است زیرا گناهکار همواره در معرض خطر ابتلا به بیماری کفر قرار دارد:

سرانجام کسانی که کارهای بد کردند، این شد که آیات خدا را دروغ می‌انگاشتند و بدانها استهزاء می‌کردند (سوره روم، آیه ۱۰).

آری گناه نیز چه بسا مایه تعصب و لجاج و موجب فساد و منجر به کفر می‌گردد:

چون به او بگویند: از خدا بترس - بزرگ منشی، او را به گناه وادارد (یا عزت نفس ظاهری که با گناه به دست آورده، او را می‌گیرد) دوزخ او را بس است، هرآینه بدبستری است (سوره بقره، آیه ۲۰۶).

از جمله گناهان، ظلم است که موجب گناهان بزرگ‌تر و در نتیجه موجب کفر می‌گردد. چنانکه در آیه ۶۱ سوره بقره در بالا ذکر شد. از اینرو ظلم و تجاوز باعث مسخ قلب انسان و در نتیجه کفر می‌گردد.

سپس از پس او پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم پس با حجت‌های روشن

(معجزات بدیشان آمدند یا حجتهای روشن را بدیشان آوردند) ولی آنان بر آن نبودند که بدانچه از پیش دروغ شمردند، ایمان آورند. این چنین بر دل‌های از حد گذرندگان مهر می‌نهیم (سوره یونس، آیه ۱۷۴).

یکی از عوامل پیدایش حالت ظلم در نفس انسان نسبت به خود یا به دیگران و تجاوز از حدود شرعی و قانونی خود در قرآن، تکذیب آیات الهی بدون صلاحیت علمی است:

تا آنگاه که (به پیشگاه خدا) آیند گوید آیا نشانه‌های مرا دروغ انگاشتند و حال آنکه بدانها دانشی نداشتند یا چه بود آنچه می‌کردند؟ و آن گفتار (فرمان عذاب) بر آنان به سزای ستمی که کردند واقع شود و هیچ سخنی نگویند.

از دیدگاه قرآن ریشه اصلی تکذیب آیات الهی و در نتیجه کفر، همان خصلت زشت تکبر می‌باشد. چنانکه در سوره زمر آیه ۵۹ و ۶۰ به این معنا دلالت دارد:

آری تو را نشانه‌های من آمد پس آنها را دروغ انگاشتی و گردنکشی و تکبر و بزرگ‌منشی کردی و از کافران بودی - در روز رستاخیز آنان را که برخدا دروغ بستند (یعنی خدای را به گرفتن شریک و فرزند وصف کردند) می‌بینی که روی‌شان سیاه است آیا گردنکشان و متکبران را جای در دوزخ نیست؟ زیرا تکبر و گردنکشی در مقابل پروردگار خویش باعث سرپیچی از عبادت و سجده، در پیشگاه او می‌باشد و همین نیز عامل کفر می‌گردد:

اگر گردنکشی و بزرگ‌منشی نمودند، آنان که نزد خداوند توآند (فرشتگان مقرب و اولیای خدا) او را شب و روز به پاکی می‌ستایند و خسته و ملول نشوند. چنانکه تکبر در مقابل حق و نپذیرفتن آن و زیربار حق نرفتن نیز عامل گرایش به کفر می‌باشد.

وکسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی دوزخ رانده شوند تا چون بدانجا رسند، درهای آن گشوده شود و نگهبانان آن گویندشان: آیا شما را پیامبرانی از خودتان نیامدند که آیات (سخنان و پیامهای) پروردگارتان را بر شما می‌خواندند و شما

را از دیدار این روزتان می‌ترساندند؟ گویند چرا (آمدند) ولكن سخن (یعنی حکم) عذاب برکافران سزا گشته است، گفته شود به دروازه‌های دوزخ در آمدید در آنجا جاویدان باشید پس بداست جایگاه گردنکشان (سوره زمر، آیه ۷۱-۷۲) و نظیر این آیات در سوره احقاف آیه ۱۰ می‌باشد مراجعه کنید. از اینرو قرآن مجید عامل اصلی انکار وجدال کفار بر ضد آیات الهی و دین خدا را همان تکبر و گردنکشی می‌داند:

همانا کسانی که در آیات الهی دلیل و حجتی که بدیشان آمده باشد، ستیزه وجدل می‌کنند در سینه‌هایشان جز بزرگ‌منشی و تکبر که بدان نیز نرسند نیست، پس به خدا پناه ببر که او است شنوا و بینا (سوره غافر آیه ۵۶) و نیز در سوره فرقان آیه ۲۱ می‌فرماید:

وکسانی که دیدار ما یعنی رستاخیز را باور ندارند، گویند: چرا بر ما فرو فرستاده شدند یا چرا پروردگار خود را نمی‌بینیم؟ هر آینه دربارۀ خویشتن بزرگ‌منشی کردند و سرکشی نمودند، سرکشی بزرگ.

از مصادیق بارز تکبر و غرور و بزرگ‌منشی، غرور ناشی از قدرت و علم می‌باشد که هر دو خطرناک بوده، باعث مخالفت و استهزاء کفار نسبت به پیامبران الهی و مؤمنین خالص می‌گردد:

آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟ آنان که از ایشان نیرومندتر بودند و نشانه‌های بجا مانده بیشتری در زمین داشتند پس آنچه فراهم می‌کردند به کارشان نیامد (وعذاب را از آنان دفع نکرد) پس چون پیامبرانشان بانسانها و دلائل روشن بدیشان آمدند آنان بدانچه از دانش (دانش معاش مانند پیشه‌ها و صناعات) نزدشان بود دل خوش کردند و آنچه بدان استهزاء می‌کردند آنها را فرو گرفت (سوره غافر، آیه ۸۲).

قرآن نمونه‌هایی چند از تکبر و غرور ناشی از قدرت و نیرومندی انسانهایی را در دوران تاریخ بشریت از باب نمونه و تنبه انسانها آورده است از جمله نیرومندی قوم عاد که باعث غرور و تکبر آنان و در نتیجه کفرشان و در نهایت نیز باعث

هلاکشان گردید:

اما عاد (قوم ثمود) در زمین به ناروا گردنکشی کردند و گفتند: کیست نیرومندتر از ما؟ آیا ندیدند (یعنی ندانستند) که آن خدائی که آنان را آفریده، از ایشان نیرومندتر است؟ و آنها آیات ما را انکار می کردند پس بر آنان تندبادی سرد و سخت آواز در روزهای شوم (یا پرگردوغبار) فرستادیم تا در زندگانی این جهان عذاب خواری و رسوائی را به آنان بچشانیم و هرآینه عذاب آن جهان بدتر و رسواکننده تر است و آنها یاری نشوند (سوره فصلت، آیه ۱۵ و ۱۶).

همچنین قرآن در سوره نوح داستان غرور و تکبر قوم نوح را در برابر نوح و آفریدگار جهان، چنین نقل می کند:

وهرگاه که ایشان را بخواندم تا آنها را بیامری، انگشتان خویش را در گوشهایشان کردند (تانشنوند) و جامه های خود را بر سر بکشیدند (تا مرا نبینند و برکفر خویش) پای فشردند و بسی سرکشی و بزرگ منشی نمودند.

و نیز قرآن، سلطنت نمرود را که باعث غرور و در نتیجه کفر او می داند در سوره بقره آیه ۲۵۸ چنین نقل می کند:

آیا ننگریستی به آن کس که با ابراهیم درباره (هستی) پروردگارش گفت و گو و ستیز می کرد از آن رو که خدا به او پادشاهی داده بود. آنگاه که ابراهیم گفت پروردگار من آن است که زنده می کند و می میراند او گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم ابراهیم گفت: همانا خدا آفتاب را از سوی خاور برآرد تو آن را از سوی باختر برآر پس آن که کافر شده بود، فروماند و سرگشته شد و خدا مردم ستمکار را راه ننماید. و بدیهی است کسی که حالت طغیان و غرور در عمق جان او حکومت می کند،

هرگز اطاعت خدا و رسول او نمی کند و همین باعث کفر او می گردد:

بگو ای پیامبر، خدا و پیامبرش را فرمان برید پس اگر پشت کنند و برگردند خدا کافران را دوست ندارد (سوره آل عمران، آیه ۳۲) و چنین کسی پای بند عهد و پیمان خود با خدا در رابطه با سایر افراد انسانها خصوصاً انبیاء و پیامبران نیست.

و یادکن آنگاه که خدا از پیامبران (وامتهای ایشان) پیمان گرفت که چون شما را کتاب و حکمت دادم سپس پیامبری نزد شما آمد که آنچه را با شما است، باور داشت و راست انگاشت باید به او بگروید و یاری کنید، (آنگاه) گفت آیا اقرار دارید و براین (کار) پیمان مرا پذیرفتید؟ گفتند اقرار داریم فرمود: پس گواه باشید و من هم با شما از گواهانم پس هرکه پس از آن (پیمان و اقرار) پشت کند و برگردد آنانند بدکاران نافرمان (سوره آل عمران، آیه ۸۲-۸۱). و باز چنین کسانی از دید قرآن جزو بدکاران و فاسقان می باشند:

وهرآینه آیات روشن (آیات قرآن و دیگر نشانه‌ها و معجزه‌ها) به تو فرو فرستادیم و جز بدکاران نافرمان به آنها کافر نشوند (سوره بقره، آیه ۹۹).

آری کفر و گناه نتیجه غرور و فریب خوردگی انسان می باشد و این حقیقت را قرآن به صراحت در آیه ۶ سوره انفطار می پذیرد:

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ: ای آدمی چه چیز تو را به پروردگار (بخشنده و نیکوکار) بفریفت، سپس در همین سوره آیه ۹ می فرماید: كَلَّا بَلْ تُكَلِّمُونَ بِالذِّبْنِ نَه چنان است (که می پندارند) بلکه رستاخیز (روز پاداش) را دروغ می انگارند!

ویژگی چنین کسانی این است که همواره از انبیاء و پیامبران الهی توقع بیجا داشته دنبال بهانه‌های واهی می گردند تا مخالفت خود را با آنان آشکار سازند: یا مگر می خواهند از پیامبران چنان درخواست کنند که پیش از این از موسی درخواست کردند؟ و هرکه کفر را به جای ایمان گیرد، همانا راه راست را گم کرده است (سوره بقره آیه ۱۰۸).

ادامه دارد